



بررسی روش های موثر بر تربیت ایرانی اسلامی کودکان با محوریت ایجاد هویت دینی، توسط خانواده

خدیدجه دهقانی^۱، فوزیه دریاشکاف^۲، زهرا کشاورزبان^۳

چکیده:

زمینه و هدف: هدف از این مقاله، بررسی نتایج تحقیقات مربوط به نقش خانواده در تربیت ایرانی، اسلامی کودک، مانوس نمودن کودک با مسجد و نقش بازی در تربیت و ایجاد هویت دینی کودک ایرانی میباشد. مانوس نمودن کودکان با مساجد در ایام کودکی می تواند ارتباط آنها با مساجد در ایام نوجوانی و جوانی را به دنبال داشته باشد؛ تحقق این امر نیازمند سازوکارهای مناسبی، چون ابراز محبت به کودکان، احترام گذاشتن و توجه به آنها، جذاب نمودن محیط فیزیکی و معنوی مسجد، بازی های کودکان در مساجد را می توان به عنوان راهکارهای مناسب نام برد. همچنین در این پژوهش به اهمیت این موضوع پی میبریم که، بازی از اولین ابزارهای تربیتی است که کودکان با آن آشنا می شوند؛ ابزاری که، گاه تا سال های متمادی با آنان همراه است. رعایت برخی ضوابط در بازی از جانب خانواده ها و مربیان تربیتی، می تواند این ابزار تربیتی را به یکی از رویکردهای مهم در ایجاد و تقویت هویت ایرانی اسلامی، کودک تبدیل نماید. مواد و روش ها: در این تحقیق، پژوهش هایی مورد مطالعه قرار گرفته اند که در آن ها روش های صحیح مانوس نمودن کودک با مسجد و انجام بازی هایی که توسط بزرگان دین، جهت هویت بخشی به کودک، به آنها اشاره شده است، می پردازد. نتیجه گیری: از نتایج به دست آمده اینطور استنباط شد که خانواده با روش های مانوس نمودن کودک با مسجد و همچنین انجام بازیهای سفارش شده در اسلام می تواند تاثیر زیادی بر تربیت ایرانی، اسلامی کودک و هویت بخشی به وی داشته باشد.

واژگان کلیدی:

تربیت دینی، بازی، انس با مسجد، هویت، کودک ایرانی اسلامی

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی قشم و معاون دبستان رازی قشم

^۲ khadijedehghani20@gmail.com - ۹۱۷۶۴۴۸۸۳۴

^۳ کارشناس ادبیات و معاون اجرایی دبستان رازی قشم - ۹۱۷۱۶۶۳۵۳۳

^۴ کارشناس ریاضی و آموزگار دبستان رازی قشم



۱- مقدمه :

امروزه بیشتر جوانان و نوجوانان، ارتباط وثیقی با مساجد نداشته و بیشتر اوقات خود را در فضاهای مجازی سپری می کنند که این امر ریشه در تربیت نشدن آنها بر مبنای اصول صحیح تربیتی در ایام کودکی و خردسالی دارد همانطور که در پژوهش های متعدد ثابت شده ،خانواده در اوان کودکی می تواند با استفاده از قواعد ،اصول صحیح تربیتی و بازی نقش مهمی را در تربیت و هویت بخشی به کودک ایفا نماید. آشنا نمودن افراد در ایام کودکی با فضاهای معنوی، به ویژه مساجد، می تواند مسیر تربیتی آنها را در مسیر درست و هدایت یافته ای تضمین نماید. مأنوس شدن انسان با مساجد و فضاهای معنوی در دوران خردسالی و کودکی، در بردارنده اموری چون خودشناسی و خودباوری فردی، ایجاد عزت و اعتماد به نفس، تقویت روحیه مذهبی، فعلیت یافتن فطرت و طبیعت کودک است و در نهایت باعث قرار گرفتن او در مسیر انسان های کاملی، چون اهل بیت (ع) را به دنبال خواهد داشت که تضمین کننده سیر تربیتی او در مسیر صحیح است. (رحیم دهقان، ۱۳۹۶) سنت و سیره اهل بیت (ع)، همواره به این شکل بوده که فرزندان را در ایام خردسالی با خود به مراسم های مذهبی در مسجد می بردند تا از همان ایام کودکی با فضای مسجد مأنوس شوند. احادیث متعددی وجود دارد که نشان می دهد پیامبر (ص) همواره کودکان خود را با خود به مسجد می برد. در کتب حدیثی چنین نقل شده است که امام حسین (ص) نزد پیامبر (ص) می آمد و درحالی که آن حضرت در سجده بود از صف های جماعت عبور می کرد و نزد آن حضرت می رسید و بر کمر حضرت سوار می شد؛ پیامبر (ص) نیز از سجده بلند می شد، درحالی که یک دست بر کمر حسین (ص) و دست دیگر را روی زانوی مبارک خود گذاشته بود. (هلالی، ۱۴۱۶ ق، ۴۰۱؛ هلالی، ۱۳۷۷، ۱۳۱)؛ همین طور از سوی امام صادق (ص) توصیه شده است که فرمودند: «در طواف کعبه، کودکان خود را همراه ببرید و در سنگ زدن بر سر شیطان از آنان نیابت کنید» (کلینی، ۱۳۶۳، ۴، ۳۳)

عامل مهم دیگری که در تربیت دینی کودک و یافتن هویت وی اثبات شده بازی است. زینب قدیری (۱۳۹۳)، در مقاله «نقش بازی در تربیت دینی، هویت بخشی و سلامت جسم و روان از دیدگاه اسلام»؛ بیان می کند، یکی از غرایزی که خداوند حکیم در باطن کودکان قرار داده، تمایل به بازی است، کودک بالفطره میل به بازی دارد و توجه به بازی کودک، بسیاری از مشکلات روانی عاطفی وی را حل خواهد نمود؛ بازی وسیله ای برای رشد همه جانبه و هماهنگ کودک است که بر رشد زبان او تأثیر بسیاری دارد؛ رشد زبان نیز خود بر رشد شناخت و ذهن کودک تأثیر بسیار دارد و به هماهنگ شدن حواس پنج گانه اش می انجامد و رشد همه جانبه انسان، به ویژه رشد اجتماعی او را فراهم می سازد. کودک در بازی خود، همه ضعف ها و قوت ها، ترس ها و نگرانی ها، بینش ها و نگرش ها و به طور کلی شخصیت خود را بروز می دهد. ائمه و معصومان (ع) به جنبه های آموزشی بازی، مانند افزایش دقت و تمرکز کودکان نیز توجه می کردند؛ از دیدگاه معصومین (ع) بازی از چند جهت نقش مؤثر و اهمیت فوق العاده ای در تربیت کودک دارد؛ بی توجهی به این نیاز طبیعی کودک، خسارت های روحی - روانی بسیاری دارد و شرکت کردن در بازی کودکان نیز نوعی احترام به کودکان و شغل آنها که درواقع همان بازی است. سعید بهشتی (۱۳۹۰)، در مقاله «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (ع)» تربیت جسمی، عقلانی، اجتماعی و عاطفی را از اثرات بازی می داند. این مقاله سعی دارد پس از رجوع به مقالات معتبر و نگاهی جامع به آنها، ابتدا به چگونگی ایجاد علاقه برای حضور کودکان در مسجد و بعد از بررسی مقالاتی که در آنها به نقش بازی در هویت بخشی، ایرانی اسلامی کودک پرداخته شده است، به بازی هایی که در تربیت دینی کودک مؤثر هستند می پردازد.



۲- روش شناسی :

۲-۱-۱- روش های مأنوس شدن کودک با مساجد

۲-۱-۱-۱- اصل زمینه سازی و آموزش تدریجی:

زمینه های گرایش به فضائل معنوی و اخلاقی در مقطع کودکی و نوجوانی در فرد شکل می گیرد؛ از این رو باید در این دوران، زمینه ای فراهم شود تا در فرزندان نسبت به تکالیف دینی، رغبتی ایجاد شود؛ لازمه این امر آشنا ساختن فرزندان با فضای در همین راستا حضرت علی(ص) این اصل را مورد توجه قرار داده و خطاب به ^[1]عبادی به صورت طبیعی و غیرمستقیم است؛ فرزندش امام حسن(ص) می فرماید: «قلب نوجوان، چون زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود؛ از این رو من -در ایام نوجوانی - در تربیت تو شتاب کردم و پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود...» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۵۲۳)؛ بنابراین درست است که پسر قبل از چهارده سال و دختر قبل از نه سال تکلیفی ندارند، اما انجام تکالیف دینی را نمی توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت و با رسیدن آنها به سن بلوغ، به یکباره آنان را توصیه به عبادت نمود؛ بنابراین باید انسان از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد ((امینی، ۱۳۸۵، ۱۵۶)).

۲-۱-۱-۲- اصل فطری بودن مسائل دینی:

نیاز به پرستش و میل به نیایش در عمق وجود هر انسانی نهاده شده است؛ گاهی این میل طبیعی در مسیر صحیح قرار گرفته و به خداپرستی ختم می شود، اما گاهی بر اثر جهالت، انحراف و لجاجت، از مسیر صحیح خارج شده و به مسیری منجر می شود که رضایت الهی در آن نیست؛ به تعبیر استاد مطهری: «یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود انسان ها، حس نیایش و پرستش است؛ مطالعه آثار زندگی بشر نشان می دهد، هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته، نیایش و پرستش نیز وجود داشته است، چیزی که وجود دارد، شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است» (مطهری، ۱۳۸۷، ۲۱)

۲-۱-۱-۳- اصل اختیاری بودن مسائل دینی:

واگذاری حق انتخاب به فرزندان و عرضه نمودن دین در شرایط و فضای مناسب به آنها، باعث می شود تا آنها در قالب نوعی روش تربیت عقلانی و استدلالی رشد یابند و دلایل قابل دفاعی را هرچند در حد توان ذهنی خود برای اعتقادات خود مهیا سازند؛ این امر باعث می شود تا آنها اعتقادی را بپذیرند که نه وراثتی و تقلیدی، بلکه خالصانه و از روی رغبت باشد؛ در نتیجه این امر در صورتی که در ایام جوانی با شبهات اعتقادی مواجه شوند، به یکباره دست از اعتقاد خود نخواهند شست، بلکه با ذهنی فعال و منطقی، شبهات را تحلیل نموده و کنار آنها به سلامت خواهند گذشت؛ بر اساس این اصل، نباید هیچ گاه فرزندان را



مجبور به دین داری کرد، بلکه همواره باید فضایی را برای آنها فراهم ساخت تا خود با قرار گرفتن در آن، بتوانند مسیر خود را انتخاب کنند. (رحیم دهقان، ۱۳۹۶)

۲-۱-۱-۴- اصل بصیرت دهی به فرزندان:

در دوران نوجوانی، سؤالات زیادی در رابطه با مسائل اعتقادی و ماورائی در ذهن فرزندان وجود دارد؛ به تعبیر استاد مطهری، نوجوان همواره به دنبال این است که بداند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت؟ او در خود احساس نیاز به پرستش و ارتباط با یک نیروی مطلق می کند، چراکه حس پرستش فطرتاً در وجود او قرار دارد (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۰۰)؛

۲-۱-۱-۵- ابراز محبت به کودکان برای ایجاد علاقه و حضورشان در مسجد :

از جمله وظایف مبلغان و نیز نمازگزاران در مسجد، تکریم و احترام کودکان است و سفارش ها بسیاری در سنت نبوی و احادیث اهل بیت (ع) در این رابطه بیان شده است؛ از جمله بیان شده است که پیامبر (ص) نسبت به کودکان، مهربان ترین مردم بود (قطب الدین راوندی، ۱۳۷۸، ۶۰۱)؛ از جمله سفارش های حضرت (ص) در این رابطه نیز این است که فرمودند: «أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُمُ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمُ فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرُزُّقُونَهُمْ»؛ به بچه ها محبت کنید و بر آنان ترحم نمایید و هرگاه به آنان وعده ای دادید، بدان وفا کنید، چون اینان شما را روزی رسان خویش می دانند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۲، ۴۸۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۴۹، ۶).

۲-۱-۱-۶- احترام گذاشتن به کودکان و برخورد محترمانه با آنها:

خداوند کودکان را تکریم نموده و آنها را محترم شمرده است؛ چراکه امیرمؤمنان علی (ص) فرمودند: «هنگامی که مردم روی زمین مرتکب گناهان شوند و به زشتکاری ها دست یازند، خداوند آهنگ آن می کند که همه را بدون استثنا عذاب کند؛ ولی چون سالخوردگان را می بیند که برای نماز به سوی مساجد گام برمی دارند و کودکان را می بیند که قرآن می آموزند، بر آنان رحمت می آورد» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۵۹). همان طور که ذات اقدس الهی، کودکان را محترم شمرده و به احترام آنان از عذاب گناهکاران در گذشته است، بر انسان ها، به ویژه روحانیون و هیئت امنای مساجد لازم است تا کودکان را تکریم کنند و به گونه ای عمل کنند که رفتار آنها برای کودکان الگو شود؛ از این رو از امام رضا (ص) نقل شده است که «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ»؛ (فرزندانتان را اکرام کنید و آداب آنها را نیکو سازید تا مورد غفران خداوند واقع شوید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۰۱، ۹۵)

۲-۱-۱-۷- الگو بودن یا ارائه الگوی تربیتی مناسب به کودک:

انسان ها به صورت طبیعی، متمایل به اتصاف به صفات الگوها هستند (ابن فهد حلی، ۱۳۸۱، ۱، ۳۲۲)؛ درواقع نیاز به الگو در مرحله ای از زندگی انسان، به ویژه دوران کودکی، از نیازهای طبیعی انسان بوده و بهترین الگو برای کودک، پدر و مادر او هستند؛ آنها در طریق خالقیت و ربوبیت الهی قرار گرفته و مظهر این دو صفت پروردگار متعال نسبت به اولاد خود هستند (منسوب به امام جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ۳۱۲)؛ از این جهت، بهترین و نزدیک ترین الگو برای فرزند محسوب شده و رفتار آنها



در تعیین نوع رفتار فرزند، تأثیرگذار خواهد بود؛ از همین رو عدم حضور و یا حضور کم‌رنگ والدین در مسجد، می‌تواند بیشترین زمینه را برای بیگانگی کودک از مسجد فراهم سازد.

۲-۱-۱-۸-جذاب نمودن محیط فیزیکی مسجد:

. موارد متعددی را می‌توان در فضای مسجد ایجاد نمود که باعث شود کودک، بیشتر با فضای درونی مسجد انس و ارتباط برقرار نموده و با برخورداری شدن از تجربه‌های لذت بخش، با این فضا مأنوس شود؛ به‌عنوان نمونه ایجاد پایگاه‌های تابستانی و برگزاری کلاس‌های هنری مورد علاقه کودکان، تزئین نمودن فضای درونی مسجد به گل و گیاه و درختان میوه، به‌گونه‌ای که با طبیعت و فطرت کودک سازگار باشد، ایجاد حوض آب کم‌عمق و زیبا و یا آب‌نما و یا آبشار کوچکی که صدای لذت بخش آب به نرمی در آن احساس شود، می‌تواند زمینه ایجاد تجربه لذت‌بخش در وجود کودکان و در نتیجه زمینه مأنوس نمودن کودکان با فضای مسجد را مهیا سازد.

۲-۱-۱-۹-بازی‌های کودکان در مسجد و فضاهای معنوی:

میل بسیار کودک به بازی، خوب است و علامت متانت و پختگی او در بزرگی است (ابن‌بابویه، ۱۳۶۷، ۵، ۱۷۸)؛ از پیامبر(ص) نیز نقل شده که فرمودند: «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ زِيَادَةُ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»؛ شیطنیت و سرکشی طفل در دوران کودکی، مایه فزونی عقل او در بزرگی است (پاینده، ۱۳۸۲، ۵۶۴). این ظرفیت طبیعی در وجود کودکان، از این جهت می‌تواند در مأنوس ساختن آنها با مساجد موثر باشد که استعدادهای درونی کودک در حین بازی یا مسابقه شکوفا می‌شود و در صورتی که بازی‌های او در فضایی معنوی که فضای آن با طبع کودک سازگار است، صورت پذیرد، موجب می‌شود که استعدادهای شکوفا شده او با نوعی معنویت عجین شود؛ به‌عنوان مثال: کودک هنگام بازی در فضای مسجد، تحت تأثیر فضای معنوی مسجد، ناخواسته با تقلب و جرزنی مخالفت خواهد نمود و به تدریج این روحیه را پیدا خواهد کرد تا فراتر از بازی و در خارج از فضای مسجد نیز تقلب و دورویی در کارهای خود نداشته باشد؛ همین‌طور کودکی که در بازی‌های خود در فضای معنوی مسجد، صمیمیت و محبت با همبازی‌های خود را حس و تجربه کند، ناخواسته این روحیه را در خود تثبیت خواهد کرد تا با افراد جامعه با صمیمیت و محبت برخورد کند؛ علاوه‌براین، انواع بازی‌ها و تفریحات برای رشد جسمی و فکری کودکان نیز لازم است و بازی‌های معمول بدنی، بنیة جسمانی آنها را تقویت می‌کند؛ از این رو پیامبر(ص) نقل شده است که «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ»؛ به فرزندان خود شنا و تیراندازی بیاموزید (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۱، ۴۴۲). خود پیامبر نیز در موارد بسیاری با کودکان وارد بازی می‌شدند تا در حین بازی، هم نیاز طبیعی کودکان را برطرف ساخته و هم در جهت تربیت صحیح کودکان بکوشند.

۲-۱-۲-بازی‌های سفارش شده جهت تربیت و هویت بخشی ایرانی اسلامی به کودک:

۲-۱-۲-۱-خاک‌بازی:



اینکه پیامبر(ص) کودکان را دوست داشتند، به سبب اینکه بسیار گریه می کنند، با هم دعوا می کنند، اما زود آشتی می کنند و کینه به دل نمی گیرند و خانه می سازند و سپس خراب می کنند (کلینی، ۲۷، ۱۳۹۲)؛ این موارد سه قاعده کلی است که علاوه بر دنیای کودکان، در بازی های آنها نیز حاکم است.

نکته سوم که در رابطه با نکته قبلی باید دیده شود، عزت مداری در بازی، در عین کودکانه بازی نمودن است. والدین بعد از بازی با کودکان باید نقش های قبلی خود را ایفا کنند و اگر تمام عزت و ابهت خود را به بهای کودک شدن در حین بازی از دست بدهند، دیگر نمی توانند تربیت را در بخش های دیگر زندگی ادامه دهند و این خود نقض غرض از هدف بازی با کودک می شود. این مرز دقیق و حساس نیازمند نگاه شرافتمندانه ای است که نکات خاصی را در این باب نمایان می کند.

نکته چهارمی که والدین در بازی با کودکان باید رعایت کنند، لزوم تشویق به بازی است؛ شاید این نکته با توجه به اشتیاق خود کودکان به بازی، ابهام انگیز نماید؛ یعنی تشویق به موضوعی که کودک خود بدان مشتاق است؛ اما وقتی سخن از نقش بازی در تربیت و هویت بخشی در میان است، ابهام برطرف می شود. لزوم تشویق به بازی مناسب و هدف دار، تعبیر دقیق تر این نکته است، به عبارت دیگر زمانی که کودک در فضای بازی نامناسب است و یا از یک بازی خاص مناسب غافل است؛ یا زمانی که هم بازی ندارد و یا یک بازی برای رسیدن به هدفی خاص در زمانی خاص تعریف می شود؛ مواردی است که نقش نکته کلیدی تشویق و دعوت به بازی پررنگ می شود. این نکته به ویژه در زمان فعلی که اکثر کودکان به بازی های اغلب نامناسب رسانه ای و بی تحرک روی آورده اند، اهمیت بیشتری می یابد. (هدیه کشانی، علی رضا نوروزی، ۱۳۹۵)

۴- نتیجه گیری:

زمانی که در لسان روایات، بازی به عنوان ویژگی دوران کودکی مشخص می شود و بر بازیگوشی و شوخی با کودکان در این دوره تأکید می شود، نتیجه این خواهد بود که بازی و تأمین نشاط، پیوندی ضروری با هم دارند. حال اگر تربیت دینی و هویت بخشی با بازی پیوند پیدا برقرار کند، در نتیجه با نشاط و شادابی پیوند می یابد؛ به عبارتی، همان گونه که در اتخاذ رویکردهای بازی برای تأمین اهداف مختلف اشاره شد، تربیت دینی و هویت بخشی با موضوعی همراه است که نیاز کودکان به شادابی را فراهم می کند؛ از این رو گزاره اولی که نشان از نقش بازی در تربیت دینی خواهد داشت؛ عبارت است از: «دستیابی به تربیت دینی توأم با نشاط و شادابی»؛ از همین رو است که پیامبر(ص) فرموده اند: تفریح و بازی کنید، زیرا دوست ندارم در دین شما خشونت دیده شود (پاینده، ۱۳۶۳، ۶۷)

برای دستیابی به گزاره دوم نقش بازی در تربیت دینی و هویت بخشی، توجه هم زمان به دو روایت لازم است؛ «بازی و ویژگی دوران کودکی» و «یادگیری در کودکی همچون حک نمودن نقش بر سنگ» (متقی هندی، ۱۴۰۱، ق، ۲۴، ۱۰)؛ نتیجه تعمق در این دو مضمون، گزاره «دستیابی به تربیت دینی ماندگار» را به همراه دارد؛ به عبارتی، زمانی که تربیت دینی همراه با بازی باشد، همان یادگیری از طریق بازی و یادگیری در این سنین یادگیری ماندگار است؛ بنابراین تربیت دینی ماندگار، همراه با نشاط و از سر شوق ایجاد می شود. و سبب هویت بخشی اسلامی به کودک خواهد شد.



پیشنهادهات:

اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر ایجاد هویت و عزت نفس در کودکان
 بررسی عوامل فرهنگی و قومیتی تاثیر گزار بر هویت ایرانی اسلامی کودکان
 بررسی عوامل تاثیر گزار بر ارزش مداری کودکان با هدف هویت در کودکان ایرانی

تشکر و قدردانی:

سپاس و تشکر از همسر که تحت هر شرایطی مرا حمایت کرده است.
 سپاس از پدر و مادرم بخاطر هویت بخشی و تربیت صحیح فرزندان.

منابع :

- اسلام و بازی کودکان؛ تهران: انتشارات اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶
- نهج الفصاحه؛ تهران: جاویدان، ۱۳۶۳
- نقش بازی در تربیت دینی و سلامت جسم و روان از دیدگاه اسلام؛ ۱۳۹۳
- کلینی، م؛ اصول کافی؛ ترجمه احمد بانیپور؛ ج ۶، تهران: راز توکل، ۱۳۹۲
- برجعلی، احمد (۱۳۸۰) تحول شخصیت در نوجوانان تهران: نوری دانش.
- سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت (۱۳۷۹). (نارسایی‌های ویژه در یادگیری و چگونگی تشخیص روشهای بازپروری تهران: انتشارات مکیال.
- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۰). تبیین و تشخیص و درمان اختلال های روانی، حرکتی. تهران: نشر روان سنجی.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵) روان شناسی رشد: ۲: نوجوانی، جوانی و بزرگسالی چاپ هشتم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضوی، اقدس سادات (۱۳۸۸) نوجوانی و هویت یابی. مشاور مدرسه.
- موسوی پور، سعید (۱۳۷۵) بررسی روابط بین شناخت خویشتن والدین فرهنگی و غیرفرهنگی با هویت یابی فرزندانها در شهراراک. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- حسینی، اکبر (۱۳۸۵) نوجوان امروز: شناخت و تربی. ت چاپ سوم. تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.
- ماسن، پاول هنری. (۲۰۰۵). رشد شخصیت کودک. ترجمه یاسایی، مهشید. (۱۳۸۳). تهران. نشر مرکز، ص ۱۵۰-۱۵۶
- راتوس، اسپنسر. (۲۰۰۳). روانشناسی عمومی، ترجمه حمزه گنجی. (۱۳۸۸). نشر ساوالان، ص ۲۳۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). سیری در نهج البلاغه، جلد ۱، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- غباری بناب، باقر و حجازی، مسعود (۱۳۸۶) رابطه ی جرأت ورزی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تیزهوش و عادی. پژوهش در حیطه های کودکان استثنایی، ۷(۳)، ۲۹۹-۳۱۶.



- ابوالقاسمی، عباس و نریمانی، محمد. (۱۳۸۴) آزمونهای روانشناختی. انتشارات باغ رضوان.
- پور شهریاری، مه سیم. (۱۳۸۶). مقایسه افسردگی، انزوای اجتماعی و ارتباطات خانوادگی دانش آموزان دختر کاربر و غیر کاربر اینترنتی دبیرستان های تهران. مطالعات روانشناختی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۴۹-۶۴.
- دلاور، علی، (۱۳۸۰). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، تهران، نشر ویرایش.
- زکی، محمد علی. (۱۳۸۸). بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان). پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۳، ص ۲۵-۵۱.
- کاپلان و سادوک. ۲۰۰۵. خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پور افکاری، ۱۳۸۰. نشر سمت. جلد سوم، ص ۳۰۰.
- گل شکوه، فرزانه. (۱۳۸۹). رابطه بین گوشه گیری اجتماعی، افسردگی و اضطراب با اختلالات خواب در کاربران اینترنت شهر اهواز. یافته های نو در روانشناسی، دوره ۵، شماره ۱۶، ص ۴۳-۵۵.
- حسینی نسب، د. اقدم، ع. ۱۳۷۵. فرهنگ واژه ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت. تبریز: انتشارات احرار، ص ۵۸۷.
- رابینز، استیفن، (۱۳۸۶)، تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی)، مترجم: سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، انتشارات صفار-اشراقی، چاپ نوزدهم، صص ۱۷۵-۱۵۱.
- سیف، ع. ۱۳۶۸. روان شناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه، ص ۵۴۹.
- احمدی، علی اصغر (اصول تربیت) انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان تهران ۱۳۷۸
- احمدی، امید؛ متقدم، علی اکبر(۱۳۶۱).روانشناسی خواب. مشهد: آستان قدس رضوی.
- جوان، عبدالرسول؛ محمدی، علی؛ خرامین، شیر علی؛محبی، سمانه(۱۳۸۶).مجله ارمغان دانش، (۳)، ۷۹-۸۶.

